



فردی طمع کار با دستکاری کنتور برق مانع از گردش عقربه شمارشگر شده بود که با ادامه این کار و خنثی شدن طرح از سوی همسرش اختلاف بین آن ها ایجاد و کارشان به دادگاه خانواده کشیده شد. زنی جوان در این باره گفت: مدتی بود همسرم با یک ترفند مانع از گردش شمارشگر کنتور برق می شد و بابت این کار هر بار مبلغ کمی هزینه برق می پرداختیم. بعد از این که متوجه موضوع شدم به همسرم بابت کارش که نوعی دزدی محسوب می شد اعتراض کردم ولی

کتک خوردن برای اعتراض به دزدی از بیت المال

۱۶ سال حرکت در بیراهه

حالم بد شد و دوستم به خاطر این وضعیت به من مصرف تریاک را پیشنهاد داد. بعد از مصرف مواد حالم خوب شد و لذت خاص و وسوسه انگیزی به من دست داد. مصرف مواد برای بار اول زیر دندانم خیلی مزه کرد و بعد از آن مصرف نوشیدنی های الکلی را کنار گذاشتم و به دنبال مصرف مواد رفتم ، اما هر چه مواد بیشتر مصرف می کردم کمتر لذت می بردم تا این که شبی مصرف مواد را کنار گذاشتم و بعد از چند ساعت دست و پایم شروع به درد گرفتن کرد. از این موضوع وحشت داشتم که مبدا این دردها نشانه وابستگی من به مواد باشد. روز بعد به سراغ دوستم رفتم و دوباره نوشیدنی های الکلی مصرف کردم و به خانه برگشتم و از عصبانیت مستقیم سر یخچال رفتم و هر چه قرض داخل آن بود مصرف کردم. بعد از آن دیگر چیزی نفهمیدم و زمانی که به هوش آمدم دیدم روی تخت بیمارستان هستم. بعد از مرخص شدن از بیمارستان تا یک هفته گیج بودم تا این که دوباره مصرف مواد را از سر گرفتم.

مادر تا از اعتیاد خبر نداشت؟

مادرم صبح تا شب سر کار بود و زمانی که با او مواجه می شدم با زدن عطر بوی مواد را تغییر می دادم. مادرم از من خواست که هر چه زودتر از دواج کنم. بعد از مدتی با یکی از خواستگارهایم که از طرف همکار مادرم معرفی شده بود نامزد کردم.

بعد از دواج با اعتیاد چه کردی؟ آیا نامزدت

از قضیه مطلع نشد؟

بعد از این که نامزد شدیم مصرف مواد را کم کردم و به جای آن نوشیدنی های الکلی مصرف می کردم. این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی نامزدم به خاطر این که خانواده اش معتاد بودند از علایم چهره ام متوجه اعتیادم شد اما به روی من نیاورد و به بهانه این که سرماخورده شده ام مقداری سواد به من داد تا آن را مصرف کنم. بعد از مصرف مواد آن هم جلوی خانواده شوهرم این موضوع طبیعی شد و نامزدم کنار من به صورت تفننی مواد مصرف می کرد. یک سالی از نامزدی مان گذشت تا این که از سر لجبازی و به خاطر اعتیاد از نامزدم جدا شدم.

بعد از طلاق گرفتن از نامزدم با یک پسر دوست شدم و او برایم یک خانه با تمام وسایل اجاره کرد. دوستی ما

صدیقی

پیری زودتر از حساب سال و ماه در چهره اش جا خوش کرده و گام های سست، دست های لرزان، چشمان مضطرب و لیختد سرد، حاصل ۱۶ سال حرکت در بیراهه است. با آن که زندگی مادرش با اعتیاد و رفیق بازی پدرش به هم ریخت اما درس عبرتی برای او نشد تا دختر جای پای پدرش پایگذار د و در منجلاب فساد و اعتیاد بیفتد. هم اکنون مدتی است که تصمیم گرفته خودش را از این منجلاب رها کند. او با پای خودش به کمپ ترک اعتیاد رفته است و حالا پس از مدتی پاک بودن احساس می کند دوباره متولد شده و می خواهد این قدر با سایه های اعتیادش بجنگد تا آن را ضربه فنی کند.

چند وقت است در کمپ هستی؟ کمی از خانواده ات بگو.

یک ماهی است که به خاطر اعتیاد به شیشه و مصرف انواع قرص های روان گردان این جا هستم. بچه طلاق بودم. پدرم زمانی که در مقطع ابتدایی بودم به خاطر رفیق بازی معتاد شد و این قدر به این کارش ادامه داد تا این که به تزریق روی آورد و به جای اهمیت دادن به کارش، سرمایه اش را در اختیار شاگرد مغازه اش گذاشت و تمام هستی و زندگی اش را به دلیل چپاول شاگرد و موستان نابایب از دست داد. مادرم بعد از این اتفاق از پدرم جدا شد و به همراه خواهر و برادرهایم زندگی جدیدی را در پیش گرفتیم.

اعتیاد تا کجا شروع شد و آیا سابقه کیفری هم داری؟

بله دو بار به زندان افتادم. ماجرای اعتیاد به زمانی که دبیرستانی بودم بر می گردد. هر روز بعد از مدرسه در یک کلاس آموزشی با دوستم شرکت می کردم. روزی دوستم بعد از ترک کلاس آموزشی از من خواست که همراه او با دو پسر غریبه به تفریح برویم و من هم از سر کنجکاوی قبول کردم. ۱۶ سال بیشتر نداشتیم که دوستم جلوی پسرها به من سیگار تعارف کرد و من هم بعد از کشیدن سیگار با آن ها نوشیدنی های الکلی مصرف کردم. بعد از این ماجرا دوره می ما روزانه و همیشگی شد. این موضوع ادامه پیدا کرد تا این که روزی در مصرف نوشیدنی های الکلی زیاده روی کردم و

تاباندن نور لیزر روی صورتم و دیوار وانمود می کرد که کار یک تک تیرانداز است که قصد کشتن من را دارد. او با این نقشه های شیطانی از من به عنوان طعمه استفاده و مواد جا به جا می کرد. این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی حین حمل مواد صنعتی دستگیر شدم و نزدیک به ۴ سال حبس کشیدم و بعد از آن آزاد شدم. بعد از آزاد شدن از زندان به شهرستان برگشتم و مدتی پاک بودم تا این که دوباره بعد از مدت ها پسر همسایه قبلی مان را دیدم و با تجدید خاطرات دوباره به مسیر بی انتهای اعتیاد برگشتم. مدتی با پسر همسایه مان که او هم معتاد بود زندگی کردم و در این سال ها با این که خانواده ام خیلی تلاش کردند که من اعتیادم را ترک کنم اما چون دلم نمی خواست فایده ای نداشت. این ماجرا ادامه داشت تا این که یک بار برای همیشه تصمیم خودم را گرفتم و با اشتیاق پا در کمپ ترک اعتیاد گذاشتم.

هر چند روزهای ابتدایی خیلی سختی و درد کشیدم اما با مشاوره و راهنمایی های صحیح کارکنان کمپ این دردها را تحمل کردم و الان مدتی است که پاک شده ام و احساس سبکی می کنم. اکنون تصمیم گرفته ام تا زمانی که مطمئن نشده ام بیرون از این جا مشکلی برایم پیش نمی آید و دوباره مواد من به وسوسه و به گمراهی نمی کشاند در کمپ بمانم تا کاملا از شر سواد مخدر خلاص شوم.

کتک گرفت. بعد از این اتفاق به خاطر این که تکلیف خودم را روشن کنم به دادگاه خانواده آمده ام تا با طرح درخواست مهریه به نوعی او را بترسانم و وادار به عقب نشینی کنم تا از کار زشتش که دزدی از بیت المال است دست بردارد.

حادثه در شهر

بلبشوی رعایت نکردن حق تقدم

که از سمت چپ به شدت آسیب دیده بود گفت: من از سمت میدان دولت به میدان مادر در حال حرکت بودم که هنگام ورود به میدان خودروی پژو با سرعتی که داشت با من برخورد کرد. هر دو راننده مدعی داشتن سرعت بالا از طرف مقابل بودند و دیگری را مقصر می دانستند. با روان شدن ترافیک افسر پلیس شروع به بررسی صحنه تصادف کرد.

خودروی پژو خسارت اندکی دیده بود اما به خودروی پراید خسارت بیشتری وارد شده بود.

افسر پلیس در نهایت گفت حق تقدم با خودرویی بوده است که در میدان قرار داشته و خودرویی که قصد ورود به میدان را داشته یعنی خودروی پراید مقصر این حادثه است. راننده خودروی پژو خسارت وارد شده به خودرویش را ۱۵۰ هزار تومان برآورد اما از گرفتن آن صرف نظر کرد و آن را بخشید ولی راننده خودروی پراید همچنان مدعی مقصر بودن خودروی پژو بود و افسر بر نظر خود تاکید می کرد.

میدان مادر در بجنورد هر چند ظهرا همیشه ترافیک دارد اما هنگامی که ظهر روز گذشته به میدان نزدیک شدم ترافیکش شدیدتر از روزهای گذشته بود به گونه ای که خودروها در کنار یکدیگر قفل شده بودند و توان حرکت نداشتند.

به جز در ضلع جنوبی میدان در دیگر خیابان های منتهی به میدان خودروها پشت سر یکدیگر گیر افتاده بودند و نمی توانستند حرکت کنند.

هنگامی که به میدان رسیدم متوجه شدم تصادف دو خودرو باعث ایجاد ترافیک بیشتر میدان نسبت به روزهای گذشته شده است. هر چند دو لاین عبور از کنار هر دو خودرو وجود داشت اما به علت ازدحام خودروها عبور و مرور در میدان مادر این چنین مختل شده بود. با رسیدن افسر پلیس رانندگی از رانندگان خواست سریع جابه جا شوند. با خارج شدن هر دو خودرو از میدان ده ها خودروی گرفتار آرام آرام خارج شدند. راننده خودروی پراید

تلنگر

سرپرست آتش نشانی بجنورد اعلام کرد:

قاتل خاموش در کمین رانندگان سهل انگار

همان اندازه میزان خطر آن در محیط بسته افزایش خواهد یافت.وی ادامه داد: روشن کردن وسیله گرمایشی به خصوص پیک نیک در محیط بسته و فاقد تهویه لازم، باعث تولید گازهای کشنده خواهد شد که متأسفانه جدی گرفته نمی شود.گریوانی تصریح کرد: متأسفانه روز شنبه شاهد مرگ راننده خودروی کامیونت در ورودی شهر بجنورد بودیم که برای استراحت، توقف کرده و پیک نیک را در محیط بسته کابین روشن نگه داشته بود.

خواب ابدی در کمین رانندگانی است که برای گرم نگه داشتن کابین خودرو با سهل انگاری از پیک نیک استفاده می کنند. سرپرست آتش نشانی شهرداری بجنورد گفت: متأسفانه رانندگان زیادی برای استراحت و فرار از سرمای راه، از پیک نیک برای گرم نگه داشتن کابین خودرو استفاده می کنند. مجید گریوانی افزود: وسیله گرمایشی برای مناسب کار کردن همانند انسان نیاز به هوای تازه دارد و هر چه وسیله گرمایشی برای مدت طولانی کار کند

جشن بزرگ یلداایی در تالار مجلل رزطلایی

ظرفیت محدود

پذیرایی با دو مدل غذا (چلو گوشت و جوجه کباب)

تنقلات ویژه شب یلدا (آجیل و میوه و شیرینی و...)

مسابقه استندآپ کمدی، برنامه ویژه کودکان

حافظ خوانی و قرعه کشی

همراه با اجراهای جدید
محسن میرزازاده
برای اولین بار

ساعت
۲۰:۰۰

دوشب خاطره انگیز و بی نظیر
۳۰ آذر و ۱ دی

روابط عمومی:

۰۹۳۷ ۵۸۴ ۷۷۴۱ - ۳۲۲۵ ۸۹۵۱

خرید حضوری بلیت:

بلوار معلم، معلم ۱۵

خرید اینترنتی بلیت:

www.GolshanOnline.ir

رزطلایی
تالار و رستوران